سه رساله در تصوف

لوامع و لوایح

در

شرح قصیدهٔ خمریهٔ ابن فارض و در بیان معارف و معانی عرفانی

بانضمام

شرح رباعیات در وحدت وجود

از

عبدالرحمن جامی

با مقدمهٔ ایرج افشار







اسم کتاب : [illegible]

مؤلف : [illegible]

قیمت : [illegible]

ملنے کا پتہ : [illegible] - تلفن ۳۱۴۴۱۸

یادداشت

کتابی که در ین بین الدفتین به سرمایه کتابفروشی منوچهری یعنی به همت آقای منوچهر زری‌باف انتشار می‌یابد تجدید چاپ عکسی مجموعه‌ای است که قریب به نود سال پیش (۱۳۰۹ قمری) در استانبول به نام «مجموعه منلاجامی قدس سره السامی» به طبع رسیده است. ناشر بجز چند کلمه که به ترکی در ادای احترام نسبت به جامی در ابتدای آن آورده توضیح و تبیینی ندارد که آن را براساس کدام نسخه‌ها طبع کرده و نام طبع کننده کی است. اما آنچه مبرهن است این طبع در عهد خود اساسی داشته است و علی القاعده باید بر مبتنی بوده باشد بر یکی از نسخه‌هایی که در استانبول بوده است و خوب می‌دانیم که در کتابخانه‌های استانبول نسخه‌های قدیمی و اصیل و ممتاز از تألیفات جامی متعدد هست و همیشه آن نسخ بین اصحاب فضل و دانش مشهور بوده است.

در این اواخر که آقای منوچهر زری‌باف چاپ و انتشار یک سلسله از کتب عرفانی را به اسلوب چاپ لوحی (افست) آغاز کرد و در پی یافتن چاپ‌های نسبتاً خوب و کم عیب بدین منظور بود این مجموعه را که لایق تجدید طبع میدانستم به ایشان معرفی کردم. و اینک به همت ایشان در دسترس علاقه‌مندان قرار می گیرد.

اگرچه هر یک از این سه رساله، هم مستقلاً و هم ضمن بعضی مجموعه‌ها، طبع شده است چون همه آن چاپ‌ها اکنون نایاب و دور از دست است و ضمناً از فایدت باهم بودنشان هم نمی‌توان درگذشت، امید است ارزش زحمت ناشر محترم محفوظ بماند.

رسالهٔ اوّل: لوایح

علی اصغر حکمت در تألیف خود بنام «جامی» حدس زده است که جامی این رساله را به جهانشاه قره‌قوینلو اهدا کرده بوده است. ولی چون آن پادشاه که بر عراق و جبال و آذربایجان حکومت میکرد میان مردم هرات شهرت خوب نداشت جامی از آوردن نامش تن زده و یا آنکه نامش را عمداً از خطبه حذف کرده است. باین قرینه تألیف آنرا حدود سال (۸۷۰) دانسته است. (جامی— صفحهٔ ۱۷۱)

«لوایح» مکرراً را در هند ایران به طبع رسیده و آن طبعهایی که مفیدتر یا مهم‌تر است عبارت است:

ه— چاپ عکسی یک نسخهٔ خوش‌خط قرن دهم هجری با ترجمهٔ انگلیسی E. H. Whinfield با همکاری علامهٔ مرحوم میرزا محمدخان قزوینی که در سال ۱۹۲۸ توسط انجمن سلطنتی آسیائی در لندن انتشار یافت. (Oriental Translation Found, New Series, Vol. XVI)

همین چاپ بطور افست توسط Islamic Book Foundation با مقدمهٔ شهیدالله فریدی در سال ۱۹۷۸ در اسلام‌آباد تجدید چاپ شده است و مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان هم در انتشار آن اشتراک یافته.

ه— چاپ حسین کوهی کرمانی. تهران. ۱۳۱۲ ش. ۷۲ ص. این چاپ از روی نسخهٔ خوشی که بخط داوری بوده (کتابخانه مجلس شورا شماره ٦٦٨) انجام شده است.

ه— چاپ محمدحسین تسبیحی. تهران. انتشارات فروغی. ۱۳٤۲. ۱۷۵+۲۵ ص. این چاپ از روی عکس نسخهٔ چاپ شده توسط وینفیلد انجام شده است.

*— طبق ضبط   خانبا با مشار در جلد اول فهرست کتابهای چاپی فارسی، در سالهای ۱۸۸۰ (لکهنو)، ۱۹۳۶ (ایضاً لکهنو)، ۱۳۱٤ ق (شیراز) نیز لوایح طبع شده است.

* یکی از چاپها آنست که در سال ۱۳۰۹ قمری در استانبول انتشار یافته است و اینک تجدید طبع آن در دست شماست.

از لوایح نسخ خطی متعدد در کتابخانه های خارج و ایران موجود است و از جمله احمد منزوی در فهرست نسخه های خطی فارسی، جلد دوم (تهران ۱۳٤۹)مشخصات یکصدنسخه رادرضبط آورده است.(ص. ۱۳۵۰—۱۳۵۵)

ظاهراً نسخهٔ خطی قدیمی آن دو نسخه ای است که اتفاقاً هردو مورخ ۸۷۷ هجری است. یکی جزو مجموعه ای در کتابخانهٔ ایاصوفیا و دیگری جزو مجموعه ای در کتابخانهٔ ملی تهران.

بر لوایح جامی چند شرح نوشته اند که در فهرست نسخه های خطی فارسی تألیف احمد منزوی (جلد دوم) ذکر آنها مندرج است.

ضمناً ناگفته نماند که بنام لوایح رسالهٔ مهم دیگری در مباحث عرفانی هست که نخستین بار به همت رحیم فرمنش (تهران، ۱۳۳۷) طبع شد و طبع دومش اخیراً توسط کتابفروشی منوچهری انتشار یافت و براساس تحقیقات بعدی معین شد که لوایح اخیر مورد سخن تألیف عبدالملک ورکانی متوفی در ۵۷۳ ق. است (رسائل عشقی، نوشتهٔ محمدتقی دانش پژوه— سخنرانیهای دومین کنگره تحقیقات ایرانی در دانشگا مشهد، جلد دوم. ص ۵۳۱— مشهد، ۱۳۵۲؛ فهرست نسخه های خطی فارسی تألیف احمد منزوی، جلد دوم. تهران— ۱۳٤۹، ص ۱۳۵۵).

رسالهٔ دوّم شرح رباعیات

رساله دوم این مجموعه متنی است در شرح «رباعی چند در اثبات وحدت وجود و بیان تنزلاتش به مراتب شهود» که جامی خود سروده «اما چون ترجمان زبان را بواسطهٔ رعایت قافیه میدان عبارت تنگ بود... لاجرم در ذیل آن رباعیات از برای تفصیل مجملات و توضیح مشکلات کلمه‌ای چند منثور از سخنان کبرای دین و عرفای اهل یقین» برافزود. در این رساله چهل و چهار رباعی آمده است و در اول رجب سال ۸۷٦ هجری بپایان رسیده.

نسخه‌های خطی این شرح در مجموعه‌ها و آثار جامی متعدداً دیده میشود و سی نسخه را احمد منزوی در جلد دوم فهرست نسخه‌های خطی فارسی (تهران ۱۳٤۹) معرفی کرده است. ولی جز همین چاپ استانبول در ۱۳۰۹، چاپ دیگری از آن سراغ نکرده‌ام. لذا تجدید طبع آن از طرف کتابفروشی منوچهری کاملاً سپاس آور است. ظاهراً قدیمی‌ترین نسخه خطی آن، نسخهٔ مورخ ۸٦٦ موجود در ایاصوفیاست.

رساله سوم: لوامع

رسالهٔ سوم این مجموعه موسوم است به لوامع در شرح قصیده خمریهٔ ابن فارض (قصیدهٔ میمیه) به مطلع

شربنا علی ذکرالحبیب مدامة
سکرنابها من قبل ان یخلق الکرم

ابن فارض متوفی ٦۳۲ و یا ٦۳۵ قصیده تائیه‌اش هم شهرت بسیار دارد و شروحی که از موضوع این بحث خارج است.

چند شرح بر آن نوشته‌اند و مرحوم حکمت آل آقا در مقدمهٔ خود بر

«لوامع» بعضی از آنها را برشمرده است. از شرح های فارسی دو شرح میرسید علی همدانی و عبدالرحمن جامی بسیار شهرت یافته. جامی شرح را در ۸۷۵ تألیف کرد و آنرا به لوامع موسوم ساخت، بملاحظه آنکه بیان هر موضوعی را ذیل «عنوان» لامعه آورده است.

در فهرست نسخه های خطی فارسی تألیف احمد منزوی جلد دوم (تهران—۱۳۴۹) نام آن «لوامع انوارالکشف والشهود علی قلوب ارباب الذوق والجود» ضبط (ص ۱۳۴۸) و نسخ خطی متعدد آن در همانجا معرفی شده است.

قدیمی ترین نسخهٔ خطی آن ظاهراً نسخهٔ مورخ ۸۷۷ موجود در کتابخانهٔ ایاصوفیا است.

نخستین چاپ لوامع علی الظاهر همین است که در سال ۱۳۰۹ قمری در استانبول انتشار یافته است و اینک تجدید طبع آن را پیش رو دارید. پس از آن حکمت آل آقا طبعی از آنرا در سال ۱۳۴۱ در تهران منتشر کرد و در مقدمه ده نسخ از لوامع را که در کتابخانه های تهران دیده بود معرفی کرده است. (این چاپ لوامع از انتشارات بنیاد مهر بوده است).

البته نباید لوامع را با اشعة اللمعات او بمناسبت وجود شباهت اسمی میان دو کتاب مختلف، یکی دانست. دومی کتابی است در شرح لمعات فخرالدین عراقی که از میان شروح مختلفش، شرح نوشتهٔ جامی اشعة اللمعات نام دارد. برای شناختن شروح لمعات به «رسائل عشقی» نوشتهٔ محمدتقی دانش پژوه مندرج در جلد دوم سخنرانیهای دومین کنگره تحقیقات ایرانی (مشهد، ۱۳۵۲) مراجعه شود، صفحات ۵۳٤ ببعد

تهران بیست و یکم اردیبهشت ۱۳۶۰.

ایرج افشار

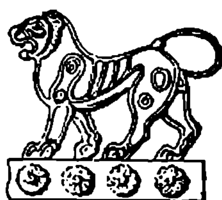
انتشارات فرهنگ ایران زمین

۳۰

سلسلهٔ متون و تحقیقات

زیر نظر

ایرج افشار



تهران — ۱۳۶۰